



## A Cognitive Examination of the Application of Artificial Intelligence in Diplomacy and International Negotiations: A Strategic Analysis Based on the Complex Systems Theory

Mohammad Samiei<sup>1</sup>

1. PhD candidate of British Studies, Faculty of World Studies, University of Tehran, Tehran, Iran.  
m.sameie8979@yahoo.com

### Abstract

Artificial intelligence (AI), as one of the most transformative technologies of the twenty-first century, has assumed an increasingly significant role in enhancing the quality and effectiveness of international political negotiations through its capacity to analyze large-scale datasets, predict emerging trends, and generate evidence-based recommendations. The central research question of this study examines how the application of AI contributes to improving the effectiveness of international political negotiations and identifies the opportunities and challenges associated with its integration. Adopting an interdisciplinary approach grounded in Complex Systems Theory, this research conceptualizes the negotiation process as a dynamic, multi-actor system characterized by continuous interactions and adaptive behaviors. The study employs a documentary content analysis of authoritative sources published between 2015 and 2025, with the findings subsequently interpreted through SWOT analysis to identify strengths, weaknesses, opportunities, and threats, as well as through a futures-oriented scenario planning approach. The results indicate that AI has the potential to enhance the predictability of stakeholders' behavior, improve the coherence of decision-making processes, and increase the speed and responsiveness of negotiations. Nevertheless, technological dependence, inadequacies in existing legal and regulatory frameworks, and the risk of reproducing data-driven biases constitute major challenges to its effective implementation. Based on these findings, the study concludes that the responsible and ethically guided adoption of AI, supported by robust regulatory institutions and internationally recognized standards, can mitigate potential risks while maximizing its strategic benefits in international political negotiations.

**Keywords:** Artificial Intelligence (AI), Algorithmic Bias, Cybersecurity, Smart Diplomacy, Political Negotiations

#### Volume info

Vol. 3  
Series: 8  
Spring 2026  
P.P: 43-68

#### Article Type

Research Paper

#### Article History

Received:  
11 October 2025  
Revised:  
02 November 2025  
Accepted:  
13 March 2026

#### ISSN – E-ISSN

ISSN: 3092-6459  
E-ISSN: 3092-6424



**Publisher:** Political Deputy of  
the Ideological-Political  
Organization

© The Author(s).

**Cite this article:** Samiei, M. (2026). A Cognitive Examination of the Application of Artificial Intelligence in Diplomacy and International Negotiations: A Strategic Analysis Based on the Complex Systems Theory. *Cognitive Research in Political Studies*, 3(1), doi: 10.20241403/CRPS.2510.1093.1.8.3





## بررسی شناختی کاربرد هوش مصنوعی در دیپلماسی و مذاکرات بین‌المللی: تحلیل راهبردی با رویکرد نظریه سیستم‌های پیچیده

محمد سمیعی<sup>۱</sup>

۱. دانشجوی دکتری مطالعات بریتانیا، دانشکده مطالعات جهان، دانشگاه تهران، تهران، ایران.

m.sameie8979@yahoo.com

### چکیده

هوش مصنوعی به‌عنوان یکی از فناوری‌های تحول‌آفرین قرن بیست‌ویک، با توانایی تحلیل کلان داده‌ها، پیش‌بینی روندها و ارائه‌ی توصیه‌های مبتنی بر شواهد، نقشی فزاینده در بهبود کیفیت و کارآمدی مذاکرات سیاسی بین‌المللی ایفا می‌کند. پرسش اصلی این پژوهش آن است که به‌کارگیری هوش مصنوعی چگونه به ارتقای اثربخشی مذاکرات سیاسی بین‌المللی انجامیده و چه فرصت‌ها و چالش‌هایی در این مسیر وجود دارد. پژوهش حاضر با رویکردی بین‌رشته‌ای و مبتنی بر نظریه‌ی سیستم‌های پیچیده انجام شده است؛ نظریه‌ای که فرآیند مذاکره را به‌مثابه سامانه‌ای پویا و چندعاملی در نظر می‌گیرد. روش پژوهش، تحلیل محتوای اسنادی منابع معتبر (۲۰۱۵ تا ۲۰۲۵) است که نتایج آن با بهره‌گیری از تحلیل SWOT برای شناسایی نقاط قوت، ضعف، فرصت‌ها و تهدیدها و نیز با رویکرد سناریونویسی آینده‌پژوهانه تفسیر و تحلیل شده است. یافته‌ها نشان می‌دهد که هوش مصنوعی می‌تواند پیش‌بینی‌پذیری رفتار بازیگران، انسجام تصمیم‌گیری و سرعت واکنش در مذاکرات را افزایش دهد؛ در مقابل، وابستگی فناورانه، ضعف در چارچوب‌های حقوقی و خطر بازتولید سوگیری‌های داده‌ای از مهم‌ترین تهدیدهای آن به شمار می‌آید. بر پایه‌ی تحلیل‌های انجام شده، استفاده‌ی مسئولانه و اخلاق‌محور از هوش مصنوعی، همراه با تدوین نهادهای نظارتی و استانداردهای بین‌المللی، می‌تواند ریسک‌ها را کاهش و مزایا را حداکثر سازد.

**کلیدواژه‌ها:** هوش مصنوعی، سوگیری الگوریتمی، امنیت سایبری، دیپلماسی هوشمند، مذاکرات سیاسی

**استناد:** سمیعی، محمد. (۱۴۰۵). بررسی شناختی کاربرد هوش مصنوعی در دیپلماسی و مذاکرات بین‌المللی: تحلیل راهبردی با رویکرد نظریه سیستم‌های پیچیده. شناخت پژوهی مطالعات سیاسی، ۳(۱)، ۳۸-۵۳. doi: 10.2024/1403/CRPS.2510.1093.1.8.3



ناشر: معاونت سیاسی سازمان

نویسندگان.

عقیدتی - سیاسی ودجا



OPEN ACCESS



سال و شماره

سال ۳، پیاپی: ۸  
بهار ۱۴۰۵  
صص: ۴۳-۶۸

نوع مقاله

مقاله پژوهشی

سابقه مقاله

تاریخ دریافت: ۱۴۰۴/۰۷/۱۹  
تاریخ بازنگری: ۱۴۰۴/۰۸/۱۱  
تاریخ پذیرش: ۱۴۰۴/۱۲/۲۲

شاپا چاپی و الکترونیکی

شاپا چاپی: 3092-6459  
الکترونیکی: 3092-6424

## مقدمه

در قرن بیست و یکم، مذاکرات سیاسی بین‌المللی بیش از هر زمان دیگری با پیچیدگی، سرعت تحولات و وابستگی متقابل بازیگران مواجه است. رقابت قدرت‌های بزرگ، بحران‌های منطقه‌ای، چالش‌های جهانی مانند تغییرات اقلیمی و امنیت سایبری، همگی فضایی را ایجاد کرده‌اند که در آن تصمیم‌گیری‌های دقیق، سریع و چندلایه ضروری است. در چنین محیطی، هوش مصنوعی به عنوان یکی از مهم‌ترین دستاوردهای انقلاب صنعتی چهارم، ظرفیت آن را دارد که دیپلماسی و هنر مذاکره را دگرگون سازد. هوش مصنوعی با توانایی تحلیل کلان داده‌ها، شناسایی الگوهای پنهان، پیش‌بینی رفتار بازیگران و شبیه‌سازی سناریوهای آینده، می‌تواند ابزارهای قدرتمندی را در اختیار سیاست‌گذاران و تیم‌های مذاکره‌کننده قرار دهد. به‌ویژه در مذاکرات بین‌المللی که اغلب با ابهام، عدم شفافیت و فشار زمانی همراه است، استفاده از فناوری‌های مبتنی بر یادگیری ماشین و پردازش زبان طبیعی می‌تواند دقت و کارایی را به‌طور چشمگیری افزایش دهد. با این حال، ورود هوش مصنوعی به عرصه مذاکرات سیاسی صرفاً مزایای فنی به همراه ندارد؛ بلکه پیامدهای امنیتی، اخلاقی و راهبردی آن نیز باید به دقت بررسی شود. نگرانی از سوگیری الگوریتمی<sup>۱</sup>، خطر سوءاستفاده در جنگ اطلاعاتی و چالش‌های مربوط به حفظ حاکمیت داده‌ها، نشان می‌دهد که هرگونه بهره‌گیری از این فناوری در سطح بین‌المللی باید با در نظر گرفتن چارچوب‌های حقوقی و اخلاقی صورت گیرد.

بر این اساس، این پژوهش با رویکردی راهبردی و آینده‌نگر به بررسی نقش و کاربردهای هوش مصنوعی در مذاکرات سیاسی بین‌المللی پرداخته و می‌کوشد ضمن شناسایی فرصت‌ها و تهدیدها، چارچوبی پیشنهادی برای استفاده مسئولانه و مؤثر از این فناوری ارائه دهد که در زمره دیپلماسی هوشمند<sup>۲</sup> مطرح می‌گردد. در پرتو مباحث فوق، پرسش اصلی پژوهش این گونه مطرح می‌گردد که

<sup>۱</sup> Algorithmic Bias

سوگیری الگوریتمی به تمایل یا خطای سیستماتیک در خروجی‌های الگوریتم‌ها گفته می‌شود که ناشی از داده‌های آموزشی ناقص، نابرابر یا دارای پیش‌داوری است که می‌تواند منجر به تصمیم‌گیری‌های ناعادلانه، تبعیض‌آمیز یا نادرست در کاربردهایی مانند مذاکرات سیاسی شود.

<sup>۲</sup> Smart Diplomacy

به کارگیری هوش مصنوعی<sup>۱</sup> در مذاکرات سیاسی بین‌المللی تا چه اندازه می‌تواند به افزایش اثربخشی مذاکرات از طریق بهبود کارایی، پیش‌بینی‌پذیری و شفافیت فرآیندهای تصمیم‌گیری منجر شود؟ این پژوهش با اتخاذ رویکردی بین‌رشته‌ای، پیوندی نظام‌مند میان فناوری‌های نوین هوش مصنوعی و سازوکارهای پیچیده مذاکرات سیاسی بین‌المللی برقرار می‌کند که تاکنون بیشتر در قالب مطالعات فنی یا تحلیلی صرف سیاسی بررسی شده است. نوآوری اصلی این کار در ترکیب هم‌زمان سه بُعد کاربردشناسی فناوری، تحلیل راهبردی و آینده‌پژوهی است که به ندرت در مطالعات پیشین به‌طور یکپارچه دیده شده است. افزون بر این، مقاله حاضر نه تنها به بررسی قابلیت‌های فنی هوش مصنوعی می‌پردازد، بلکه آن‌ها را در بستر واقعی دیپلماسی و با لحاظ ملاحظات امنیتی، اخلاقی و ژئوپلیتیک تحلیل کرده و بدین ترتیب، مدلی چندلایه برای بهره‌برداری ایمن و اثربخش از این فناوری در مذاکرات ارائه می‌دهد. بررسی ادبیات موجود نشان می‌دهد که بیشتر مطالعات مرتبط با هوش مصنوعی یا بر جنبه‌های فنی و الگوریتمی آن متمرکز بوده‌اند، یا در حیطه علوم سیاسی صرفاً به بحث‌هایی کلی درباره دیجیتالی شدن دیپلماسی پرداخته‌اند. کمتر پژوهشی به‌صورت هدفمند و جامع به کاربردهای مشخص و سناریوهای عملی هوش مصنوعی در میز مذاکرات بین‌المللی پرداخته و هم‌زمان الزامات سیاست‌گذاری، ریسک‌ها و فرصت‌های راهبردی آن را بررسی کرده است. این خلأ سبب شده تا سیاست‌گذاران و تیم‌های مذاکره‌کننده، تصویر دقیق و راهبردی از ظرفیت‌ها و محدودیت‌های واقعی این فناوری در جهان پیچیده امروز نداشته باشند. پژوهش حاضر این شکاف را با ارائه چارچوب تحلیلی-کاربردی و پیشنهادهای عملی برای ادغام هوش مصنوعی در فرآیند مذاکرات، پر می‌کند و مسیر را برای تصمیم‌گیری آگاهانه در سطوح ملی و بین‌المللی هموار می‌سازد.

دیپلماسی هوشمند به کارگیری هدفمند هوش مصنوعی و فناوری‌های دیجیتال در فرآیندهای دیپلماتیک است. این رویکرد با تحلیل کلان‌داده‌ها، پیش‌بینی روندها و شبیه‌سازی سناریوها، کارایی، پیش‌بینی‌پذیری و شفافیت مذاکرات بین‌المللی را ارتقا می‌دهد.

#### <sup>۱</sup> Artificial Intelligence

هوش مصنوعی (AI) به سیستم‌ها یا ماشین‌هایی گفته می‌شود که قادر به انجام وظایف هوشمندانه‌ای هستند که معمولاً نیازمند هوش انسانی است که شامل یادگیری از داده‌ها، استدلال، حل مسئله، درک زبان طبیعی و تصمیم‌گیری در شرایط پیچیده می‌شود.

## ۱- پیشینه پژوهش

با توجه به رشد شتابان کاربردهای هوش مصنوعی در حوزه سیاست و دیپلماسی، پژوهش‌های متعددی تلاش کرده‌اند ابعاد و ظرفیت‌های این فناوری را در بهبود فرایند مذاکرات بین‌المللی و حل منازعات بررسی کنند. این مطالعات از شبیه‌سازی فرایندهای سیاسی تا پشتیبانی مستقیم از مذاکرات صلح را شامل شده و دیدگاه‌های ارزشمندی را برای توسعه مدل‌های نظری و عملی در این زمینه فراهم کرده‌اند. در نخستین گام، پژوهشی که توسط مرکز هوش مصنوعی در دولت دانشگاه بیرمنگام انجام شده است، به بررسی امکان استفاده از سامانه‌های چندعاملی<sup>۱</sup> مبتنی بر مدل‌های زبانی بزرگ<sup>۲</sup> برای شبیه‌سازی فرآیندهای سیاسی و دیپلماتیک، از جمله مذاکرات بین‌المللی پرداخته است. این مطالعه نه تنها به جنبه‌های فنی این شبیه‌سازی‌ها، بلکه به چالش‌های معرفت‌شناختی همچون تفسیرپذیری مدل‌ها و بازنمایی واقع‌گرایانه رفتار سیاسی نیز توجه کرده است. یافته‌ها نشان می‌دهد که این رویکرد می‌تواند در پیش‌بینی روندهای سیاست‌گذاری و آموزش تصمیم‌گیران دولتی، به‌ویژه زمانی که نیاز به تحلیل شرایط پیچیده و چندبعدی وجود دارد نقش مؤثری ایفا کند (University of Birmingham, Centre for AI in Government, 2025).

به دنبال این رویکرد شبیه‌سازی، مطالعه‌ای دیگر به کاربرد عملی‌تر هوش مصنوعی در مدیریت مذاکرات واقعی صلح پرداخته است. این تحقیق که بر جنگ یمن متمرکز است، نشان می‌دهد ابزارهای یادگیری ماشین و پردازش زبان طبیعی می‌توانند به میانجی‌ها کمک کنند تا حجم وسیع داده‌های مذاکرات را ساماندهی کرده، الگوهای توافق و اختلاف میان طرف‌ها را استخراج و حتی مسیرهای احتمالی حل مناقشه را پیشنهاد دهند. چنین قابلیت‌های به‌ویژه در شرایطی که مذاکرات طولانی‌مدت و چندجانبه هستند، می‌تواند کارایی تیم‌های میانجی را افزایش دهد و زمان رسیدن به توافق را کاهش دهد (Arana-Catania et al, 2022).

در ادامه این جریان پژوهشی، یک مرور نظام‌مند جامع به بررسی تکنیک‌های هوش مصنوعی در حل منازعات پرداخته و طیفی از روش‌ها از جمله سیستم‌های مذاکره بر پایه نظریه بازی‌ها و یادگیری تقویتی را پوشش داده است. نتایج این مرور نشان می‌دهد که سیستم‌های ترکیبی انسان-ماشین می‌توانند نرخ موفقیت در حل اختلافات را به شکل معناداری با تعیین استراتژی برتر از طریق

<sup>۱</sup> Multi-Agent Simulation Systems

<sup>۲</sup> Large Language Models (LLM)

نظریه بازی‌ها بهبود دهند. با این حال، پژوهشگران تأکید کرده‌اند که چالش‌هایی نظیر سوگیری الگوریتمی، فقدان شفافیت و عدم دسترسی به دیتای رمزنگاری‌شده و دشواری در توضیح تصمیمات ماشین همچنان مانع بهره‌گیری کامل از این فناوری‌ها در زمینه مذاکرات است (SSRN, 2025).

به موازات مطالعات فنی، برخی پژوهش‌ها نیز به ابعاد دیپلماتیک و راهبردی ورود کرده‌اند. به عنوان نمونه، یادداشت تحلیلی مرکز دیپلماسی عمومی دانشگاه کالیفرنیا جنوبی، به تغییرات بنیادینی که ابزارهای هوش مصنوعی در فرایند مذاکرات دیپلماتیک ایجاد کرده‌اند می‌پردازد. در این مقاله، از کاربرد هوش مصنوعی در مذاکرات تغییرات اقلیمی، رصد منازعات و برنامه‌ریزی سناریوها سخن گفته شده و در عین حال به محدودیت‌هایی همچون حساسیت‌های فرهنگی، تفاوت در سبک‌های مذاکره و ضرورت ایجاد اعتماد میان طرف‌های مذاکره اشاره شده است (Zia et al, 2025). در نهایت، گزارش مرکز بلفر مدرسه کندی دانشگاه هاروارد بر نقش مکملی هوش مصنوعی در فرآیندهای میانجی‌گری تأکید کرده است. این مطالعه نشان می‌دهد که فناوری می‌تواند در تحلیل نقاط کور، تسهیل گفت‌وگوهای فراگیر و ارائه سناریوهای مختلف به مذاکره‌کنندگان کمک کند، اما باید به گونه‌ای طراحی و استفاده شود که قضاوت انسانی را تقویت کند، نه اینکه جایگزین آن شود. این دیدگاه بر ضرورت همزیستی راهبردی میان توانایی‌های تحلیلی هوش مصنوعی و مهارت‌های بین فردی و بی‌فرهنگی مذاکره‌کنندگان تأکید دارد (Cortez et al, 2025).

با توجه به رشد سریع کاربرد هوش مصنوعی در عرصه سیاست و روابط بین‌الملل، پژوهش‌های مختلف در سطح جهانی و ملی تلاش کرده‌اند نقش این فناوری را در فرایندهای دیپلماتیک تبیین کنند. در میان مطالعات بین‌المللی، پژوهش (Arana-Catania et al, 2022). با تمرکز بر مذاکرات صلح یمن، نشان داد که الگوریتم‌های یادگیری ماشین می‌توانند اختلافات و زمینه‌های توافق را از دل متون مذاکرات استخراج کنند، اما این مطالعه صرفاً به جنبه فنی پرداخته و از تحلیل نظری روابط بین‌الملل غافل مانده است. همچنین، مرور نظام‌مند (SSRN 2025) درباره‌ی حل منازعات مبتنی بر هوش مصنوعی نشان داد که مدل‌های انسان-ماشین در تصمیم‌گیری مؤثرند، ولی فاقد چارچوب نظری یکپارچه‌اند. در سطح کاربردی، (Zia Waks 2025) از دانشگاه کالیفرنیا بر نقش هوش مصنوعی در دیپلماسی اقلیمی تأکید کردند، اما محدود به تحلیل موردی و بدون تبیین نظری ماند.

در پرتو بررسی پیشینه‌های موجود، روشن می‌شود که اگرچه مطالعات متعددی به جنبه‌های فنی و کاربردی هوش مصنوعی در حوزه مذاکرات و میانجیگری پرداخته‌اند، اما هنوز شکاف معناداری در پیوند نظام‌مند این فناوری با راهبردهای کلان دیپلماسی بین‌المللی وجود دارد. پژوهش حاضر با تمرکز بر تحلیل محتوای اسنادی و بهره‌گیری از چارچوب نظری سیستم‌های پیچیده، نوآوری خود را در ترسیم مدلی مفهومی نشان می‌دهد که نه تنها قابلیت تبیین پویایی‌های مذاکرات را دارد، بلکه امکان سنجش و پیش‌بینی مسیرهای محتمل تعاملات سیاسی را فراهم می‌آورد. این رویکرد، از یک سو به غنای مبانی نظری در تقاطع علوم سیاسی و علوم داده کمک می‌کند و از سوی دیگر، ابزار تحلیلی عملیاتی برای تصمیم‌سازان فراهم می‌سازد تا با درک عمیق‌تر از روابط علت و معلولی و شناسایی نقاط اهرمی، مسیرهای مؤثرتر و کارآمدتری برای دستیابی به توافقات پایدار در سطح بین‌المللی ترسیم کنند.

## ۲- روش پژوهش

پژوهش حاضر از نوع کاربردی-تحلیلی است و با بهره‌گیری از روش تحلیل محتوای اسنادی<sup>۱</sup> انجام شده است. این روش به دلیل ماهیت نظری و راهبردی موضوع انتخاب گردید، زیرا امکان بررسی نظام‌مند دیدگاه‌ها، شواهد و تجارب موجود در منابع معتبر را فراهم می‌آورد. داده‌های پژوهش از منابع مکتوب و دیجیتال شامل کتاب‌ها، مقالات علمی، گزارش‌های رسمی سازمان‌های بین‌المللی (مانند سازمان ملل متحد و اتحادیه اروپا)، اسناد سیاست‌گذاری و تحلیل‌های مراکز پژوهشی معتبر گردآوری شده‌اند. در این پژوهش، تحلیل محتوای اسنادی بر مبنای الگوی استاندارد در مطالعات کیفی انجام گرفت. هر سند به منزله‌ی واحد تحلیل در نظر گرفته شده و کدگذاری بر اساس ترکیبی از روش استقرایی و قیاسی صورت گرفته؛ بدین معنا که ابتدا مفاهیم و گزاره‌های اصلی مرتبط با نقش هوش مصنوعی در دیپلماسی از دل متن استخراج شدند (کدگذاری باز) و سپس این کدها در قالب مقوله‌های مفهومی منظم‌تری مانند فرصت‌ها، تهدیدها و الزامات نهادی به‌منظور کدگذاری محوری سامان یافتند. برای اطمینان از ثبات در فرایند تحلیل، تمامی مراحل بازبینی و بازکدگذاری مکرر شدند تا از یکنواختی در شناسایی مفاهیم و کاهش خطاهای تفسیری اطمینان حاصل شود. پایایی داده‌ها در این نوع پژوهش نه بر مبنای محاسبه آماری، بلکه بر اساس

<sup>۱</sup> Documentary Content Analysis



«ثبات درون تحلیلی» و تکرارپذیری نتایج در متون مشابه سنجیده شده است. جامعه آماری پژوهش کلیه منابع معتبر علمی و تخصصی منتشرشده در بازه زمانی ۲۰۱۵ تا ۲۰۲۵ در حوزه‌های هوش مصنوعی، دیپلماسی، علوم سیاسی و آینده‌پژوهی است. نمونه‌گیری به صورت هدفمند<sup>۱</sup> انجام گرفت و بر اساس معیارهایی چون: ۱- ارتباط مستقیم با موضوع کاربرد هوش مصنوعی در مذاکرات سیاسی؛ ۲- تازگی داده‌ها (ترجیحاً پس از ۲۰۱۸)؛ ۳- اعتبار علمی منبع (نشر در مجلات با ضریب تأثیر بالا یا توسط نهادهای معتبر)؛ ۴- تنوع جغرافیایی و دیدگاه‌ها (شامل منابع از اروپا، آمریکا، آسیا و خاورمیانه)؛ و ۵- پوشش جنبه‌های فنی، راهبردی و اخلاقی انتخاب شد. فرآیند تحلیل محتوا به صورت زیر انجام شد: ۱. کدگذاری اولیه: اسناد انتخاب شده به طور کامل مطالعه و مفاهیم کلیدی مرتبط با نقش، کاربردها، مزایا، چالش‌ها و الزامات هوش مصنوعی در مذاکرات استخراج گردید؛ ۲. تحلیل مضمون<sup>۲</sup>: کدها بر اساس رویکرد براون و کلارک در شش مرحله (آشنایی با داده‌ها، کدگذاری اولیه، جستجوی مضامین، بازنگری مضامین، تعریف مضامین و گزارش) سازمان‌دهی شدند (Degree Doctor, 2006). مضامین اصلی شامل کاربردهای فنی هوش مصنوعی، فرصت‌های راهبردی، چالش‌های اخلاقی - امنیتی و سناریوهای آینده بودند؛ ۳. تفسیر و ترکیب: داده‌ها با محورهای پژوهش مقایسه و تفسیر شدند تا چارچوب راهبردی استخراج شود. برای اعتباربخشی به یافته‌ها، از روش سه‌سوزایی منابع<sup>۳</sup> استفاده شد؛ بدین ترتیب که داده‌های مقالات علمی با گزارش‌های رسمی و مطالعات موردی تطبیق داده شدند. همچنین، برای کاهش سوگیری پژوهشگر، دو کارشناس مستقل (یکی در حوزه هوش مصنوعی و دیگری در علوم سیاسی) بخشی از تحلیل را بازبینی کردند. این رویکرد جامعیت و صحت نتایج را افزایش داد و امکان ارائه پیشنهادها عملی مبتنی بر شواهد را فراهم آورد.

### ۳- چارچوب نظری

چارچوب نظری این پژوهش مبتنی بر نظریه سیستم‌های پیچیده است که هوش مصنوعی را به عنوان ابزاری توانمند برای تحلیل و مدیریت تعاملات چندبعدی و پویا در مذاکرات سیاسی بین‌المللی می‌بیند. نظریه سیستم‌های پیچیده ریشه در مطالعات میان‌رشته‌ای دارد که از دهه ۱۹۷۰ و

<sup>۱</sup> Purposeful Sampling

<sup>۲</sup> Thematic Analysis

<sup>۳</sup> Triangulation

۱۹۸۰ توسط اندیشمندانی چون هربرت سایمون، استوارت کافمن و جان هالند توسعه یافت (Holland, 1992: 2-4)، به‌ویژه در مرکز مطالعات سیستم‌های پیچیده دانشگاه میشیگان، با معرفی مفهوم سیستم‌های سازگار پیچیده<sup>۱</sup> نقش مهمی در تبیین تعاملات پویا میان اجزا و محیط ایفا کرد. در حوزه روابط بین‌الملل، این دیدگاه توسط پژوهشگرانی چون جیمز روزنا (Rosenau, 2003: 1-3) و رابرت جرویس (Jervis, 1997: 8-14) به کار گرفته شد تا رفتار دولت‌ها و تعاملات بین‌المللی به عنوان شبکه‌ای از کنشگران و فرآیندهای متقابل، غیرخطی و غیرقابل پیش‌بینی تحلیل شود. در چارچوب این نظریه، کاربرد هوش مصنوعی به عنوان ابزاری برای مدل‌سازی و تحلیل داده‌های چندبعدی، امکان پیش‌بینی دقیق‌تر رفتار بازیگران و مدیریت پیامدهای تعاملات دیپلماتیک را فراهم می‌آورد. نظریه سیستم‌های پیچیده تأکید دارد که روابط بین‌الملل و به‌ویژه فرآیندهای مذاکره، ساختارهایی غیرخطی و چندعاملی هستند که تحت تأثیر عوامل سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی به صورت هم‌زمان قرار دارند و این عوامل در تعامل مستمر با یکدیگر، نتایجی غیرقابل پیش‌بینی و پیچیده به وجود می‌آورند. در این چارچوب، هوش مصنوعی با قابلیت‌های خود در پردازش حجم بالایی از داده‌ها، یادگیری ماشین و تحلیل الگوریتمی می‌تواند الگوهای پنهان در شبکه‌های روابط بین‌الملل را شناسایی کرده و پیش‌بینی‌های دقیق‌تری ارائه دهد. این توانمندی‌ها، امکان درک عمیق‌تر و تصمیم‌گیری راهبردی بهتر را فراهم می‌کنند که در مذاکرات پیچیده و چندجانبه اهمیت بسزایی دارد. همچنین، نظریه سیستم‌های پیچیده بر اهمیت تعامل بین انسان و ماشین تأکید کرده و معتقد است که بهترین نتایج زمانی حاصل می‌شود که هوش مصنوعی به‌عنوان مکمل قضاوت انسانی و نه جایگزین آن عمل کند، چراکه پیچیدگی‌های سیاسی و ارزش‌های اخلاقی مستلزم تحلیل‌های ظریف و انعطاف‌پذیر انسانی هستند. بدین ترتیب، این چارچوب نظری بستری مفهومی فراهم می‌آورد که کاربرد هوش مصنوعی را در مذاکرات سیاسی بین‌المللی از منظر تعادل میان توانمندی‌های فناورانه و ضرورت‌های انسانی بررسی و تحلیل می‌کند. ارتباط این نظریه با موضوع پژوهش در سه سطح قابل تبیین است: نخست، از نظر ساختاری، سیستم بین‌الملل مجموعه‌ای از کنشگران متصل به هم است که داده‌ها، اطلاعات و تصمیمات را به‌صورت مستمر مبادله می‌کنند؛ دوم، از نظر رفتاری، الگوهای یادگیری و پیش‌بینی در هوش مصنوعی مشابه سازوکارهای

<sup>1</sup> Complex Adaptive Systems

تطبیق‌پذیری سیستم‌های پیچیده است؛ و سوم، از نظر کارکردی، هر دو به دنبال افزایش ثبات از طریق شناسایی و کنترل عدم قطعیت‌ها هستند.

فصل مشترک دیدگاه‌های سایمون، کافمن، هالند، روزنا و جرویس در این است که هر یک بر پویایی، تعامل متقابل و سازگاری میان اجزای سیستم تأکید دارند. این بنیان مفهومی، مستقیماً با روش پژوهش پیوند دارد، زیرا تحلیل محتوای اسنادی نیز بر کشف الگوهای تکرار شونده و تعامل محور در متون سیاسی و علمی متکی است. از این رو، نظریه سیستم‌های پیچیده نه تنها چارچوب تبیینی روابط میان متغیرهای سیاسی و فناورانه را فراهم می‌کند، بلکه مبنای منطقی انتخاب روش تحلیل محتوای اسنادی در این پژوهش است.

## ۴- کاربردهای هوش مصنوعی در مذاکرات سیاسی بین‌المللی

تحولات اخیر در عرصه فناوری‌های نوین، به ویژه در حوزه هوش مصنوعی، به طور مستقیم بر سازوکارها و روش‌های مذاکرات سیاسی بین‌المللی اثر گذاشته است. هوش مصنوعی، با تکیه بر قابلیت‌های پیشرفته‌ای چون تحلیل کلان‌داده‌ها<sup>۱</sup>، یادگیری ماشین<sup>۲</sup>، یادگیری عمیق<sup>۳</sup> و پردازش زبان طبیعی<sup>۴</sup>، امکان بهره‌برداری از حجم عظیمی از اطلاعات ساختار و غیرساختار یافته را فراهم می‌آورد. این قابلیت به مذاکره‌کنندگان کمک می‌کند تا پیش از ورود به میز مذاکره، تصویری چندبعدی و مبتنی بر داده از محیط راهبردی، موقعیت طرف‌های مقابل و الگوهای رفتاری آن‌ها ترسیم کنند. برای مثال، سیستم‌های مبتنی بر پردازش زبان طبیعی قادرند تحلیل‌های بلادرنگ از گفت‌وگوهای رسانه‌ای و بیانیه‌های رسمی بازیگران سیاسی ارائه داده و تغییرات لحظه‌ای در مواضع آن‌ها را شناسایی نمایند که در شرایط مذاکرات حساس، مزیت قابل توجهی محسوب می‌شود (DIPLO, 2025).

یکی از مهم‌ترین حوزه‌های کاربرد هوش مصنوعی در این زمینه، پیش‌بینی رفتار بازیگران و شبیه‌سازی سناریوها است. مدل‌های پیش‌بینی مبتنی بر یادگیری ماشین می‌توانند بر اساس داده‌های تاریخی از رفتارهای دیپلماتیک، الگوهای تصمیم‌گیری و واکنش‌های طرفین را در مواجهه با پیشنهادها یا تغییر شرایط محیطی برآورد کنند. این پیش‌بینی‌ها به تیم‌های مذاکره‌کننده امکان

<sup>۱</sup> Big Data Analytics

<sup>۲</sup> Machine Learning

<sup>۳</sup> Deep Learning

<sup>۴</sup> Natural Language Processing (NLP)

می‌دهد که نه تنها واکنش‌های طرف مقابل را پیش‌بینی کنند، بلکه پیشاپیش گزینه‌های جایگزین و تاکتیک‌های مناسب را طراحی نمایند. در این زمینه، ابزارهایی نظیر سامانه‌های شبیه‌سازی چندعاملی به دیپلمات‌ها اجازه می‌دهد محیط مذاکره را به صورت مجازی بازسازی کنند و اثر متغیرهای مختلف از تغییر نرخ ارز تا وقوع بحران‌های ژئوپلیتیک را بر روند مذاکرات ارزیابی نمایند ( Sartor, 2019: 6-7).

تحلیل افکار عمومی و تأثیرات غیرمستقیم نیز از دیگر ظرفیت‌های حیاتی هوش مصنوعی در دیپلماسی است. بسیاری از مذاکرات بین‌المللی تحت تأثیر فشارهای داخلی و خارجی قرار دارند و واکنش افکار عمومی در کشورهای مختلف می‌تواند بر موضع مذاکره‌کنندگان اثرگذار باشد. سامانه‌های هوش مصنوعی با بهره‌گیری از تحلیل احساسات<sup>۱</sup> و پایش مستمر شبکه‌های اجتماعی، می‌توانند در زمان واقعی روند تغییر نگرش‌ها و حساسیت‌های جامعه را ارزیابی کنند. این قابلیت نه تنها امکان شناسایی سریع تغییرات در فضای روانی و رسانه‌ای را فراهم می‌کند، بلکه به سیاست‌گذاران این امکان را می‌دهد که در طراحی استراتژی‌های ارتباطی و مواضع رسمی خود، هوشمندانه‌تر عمل کنند و از بروز بحران‌های ناخواسته جلوگیری نمایند (Mostafaei et al, 2025: 2-6).

یکی دیگر از حوزه‌های کاربردی، پشتیبانی تصمیم‌گیری و کاهش عدم قطعیت در شرایط فشار زمانی است. در بسیاری از مذاکرات حساس، زمان محدود و حجم اطلاعات بسیار زیاد است. سیستم‌های حمایتی تصمیم‌گیری<sup>۲</sup> مبتنی بر هوش مصنوعی می‌توانند با ادغام داده‌های کمی و کیفی، مجموعه‌ای از گزینه‌های بهینه را بر اساس معیارهای از پیش تعیین شده (مانند حداکثرسازی منافع ملی یا حفظ ثبات منطقه‌ای) ارائه دهند. این سیستم‌ها علاوه بر محاسبه پیامدهای احتمالی هر تصمیم، قادر به ارزیابی هم‌زمان چندین سناریوی پیچیده هستند؛ قابلیت‌هایی که عملاً فراتر از توان پردازش انسانی در شرایط پرتنش است (Diplo, 2025).

از منظر کاهش موانع ارتباطی، پیشرفت در فناوری‌های ترجمه ماشینی مبتنی بر شبکه‌های عصبی<sup>۳</sup> تحولی اساسی در این حوزه ایجاد کرده است. ابزارهایی مانند Google Neural Machine Translation یا DeepL که با داده‌های تخصصی دیپلماتیک آموزش داده می‌شوند، می‌توانند دقت

<sup>۱</sup> Sentiment Analysis

<sup>۲</sup> Decision Support Systems

<sup>۳</sup> Neural Machine Translation

ترجمه و سرعت انتقال مفاهیم را در مذاکرات چندزبانه به میزان چشمگیری افزایش دهند. این امر نه تنها به روان تر شدن تبادل اطلاعات کمک می کند، بلکه خطر سوء برداشت های زبانی را که در گذشته موجب پیچیدگی و حتی شکست مذاکرات شده اند کاهش می دهد (Wgi.World, 2024). در کنفرانس تغییرات اقلیمی (COP26 (2021، ابزارهای هوش مصنوعی برای تحلیل تعهدات کشورها و پیش بینی نتایج مذاکرات استفاده شدند. سیستم های پردازش زبان طبیعی بیانیه های رسمی و گزارش های رسانه ای اعضا را تحلیل کردند تا مواضع کشورهای کلیدی مانند چین و هند را شناسایی کنند. همچنین، مدل های پیش بینی هوش مصنوعی احتمال پذیرش تعهدات کاهش کربن را بر اساس داده های تاریخی و اقتصادی برآورد کردند که به تنظیم پیشنهادهای مصلحه کمک کرد. این نمونه نشان دهنده پتانسیل هوش مصنوعی در تقویت تحلیل و تصمیم گیری در مذاکرات چندجانبه است. کاربردهای فوق نشان می دهند که هوش مصنوعی نه تنها کارایی مذاکرات را افزایش می دهد، بلکه با ارائه تحلیل های داده محور، پیش بینی های دقیق و ارتباطات روان، به دیپلمات ها کمک می کند تا در محیط های پیچیده و پرفشار، تصمیمات آگاهانه تری اتخاذ کنند. با این حال، موفقیت این کاربردها مستلزم مدیریت دقیق چالش های فنی، اخلاقی و امنیتی است که در بخش های بعدی بررسی می شوند (Climate Change AI, 2021).

## ۵- مزایا و فرصت های راهبردی بهره گیری از هوش مصنوعی در مذاکرات سیاسی بین المللی

یکی از مهم ترین مزایای هوش مصنوعی در عرصه مذاکرات سیاسی بین المللی، افزایش سرعت و دقت پردازش اطلاعات است. در فضای دیپلماسی معاصر، حجم داده های مؤثر بر تصمیم گیری بسیار گسترده و متنوع است؛ به طوری که از گزارش های امنیتی و اقتصادی گرفته تا داده های رسانه ای و تحولات میدانی را در بر می گیرد. فناوری های هوش مصنوعی، به ویژه الگوریتم های تحلیل پیش بینانه و یادگیری ماشین، قادرند این داده ها را در بازه های زمانی بسیار کوتاه پردازش و نتایج تحلیلی دقیق ارائه کنند. این توانمندی به مذاکره کنندگان اجازه می دهد که نه تنها به سرعت از تغییرات محیطی آگاه شوند، بلکه با تحلیل پیامدهای احتمالی آن، به صورت پیش دستانه راهکارهای متناسب را طراحی کنند. چنین قابلیتی در مذاکراتی که تحت فشار زمان و با ریسک بالای تغییر

موضع طرف مقابل انجام می‌شود، مزیت رقابتی حیاتی ایجاد می‌کند (Hermes- European Studies Center, 2025).

از منظر راهبردی، ارتقای پیش‌بینی‌پذیری رفتار طرف‌های مقابل یکی دیگر از فرصت‌های کلیدی است. با استفاده از مدل‌های هوش مصنوعی که بر داده‌های تاریخی و الگوهای رفتاری بازیگران آموزش دیده‌اند، می‌توان به صورت نسبی احتمال واکنش‌های دیپلماتیک، تغییر مواضع یا استفاده از تاکتیک‌های خاص را برآورد کرد. این پیش‌بینی‌ها، به‌ویژه زمانی که با تحلیل شبکه‌های روابط سیاسی و اقتصادی کشورها ترکیب می‌شود، امکان شناسایی نقاط فشار، فرصت‌های مصالحه و مسیرهای بالقوه توافق را فراهم می‌کند. در نتیجه، کشور یا سازمانی که از چنین ابزارهایی بهره می‌گیرد، قادر خواهد بود مذاکرات را با نقشه‌راهی هوشمندانه و داده‌محور پیش ببرد و ریسک تصمیم‌گیری‌های واکنشی را کاهش دهد. هوش مصنوعی همچنین ظرفیتی بی‌بدیل در افزایش شفافیت و مستندسازی مذاکرات دارد. سامانه‌های ثبت و آرشیو هوشمند قادرند کلیه تعاملات، مستندات و تغییرات مواضع را به شکل ساختارمند ذخیره کرده و امکان بازیابی سریع اطلاعات را فراهم آورند. این ویژگی نه تنها به تیم مذاکره‌کننده کمک می‌کند تا در جریان مذاکرات چندمرحله‌ای یا چندجانبه، پیوستگی و انسجام استراتژی خود را حفظ کند، بلکه در بعد حقوقی نیز می‌تواند به عنوان سند و مدرک برای اثبات تعهدات یا پیگیری اختلافات مورد استفاده قرار گیرد. علاوه بر این، شفافیت حاصل از چنین سیستمی می‌تواند اعتماد طرف‌های ثالث، نهادهای ناظر یا افکار عمومی را نسبت به فرایند مذاکره افزایش دهد (Iran's Strategic Council of Foreign Relations, 2025).

در بُعد ارتباطی همان‌گونه که در بخش قبلی اشاره شد، کاهش موانع زبانی و فرهنگی از جمله فرصت‌هایی است که هوش مصنوعی در مذاکرات بین‌المللی فراهم می‌کند. فناوری‌های ترجمه ماشینی عصبی، با یادگیری از متون تخصصی دیپلماتیک و تطبیق سبک و اصطلاحات هر زبان، می‌تواند پیام‌ها را با دقت و حساسیت فرهنگی بیشتری منتقل کنند. این امر احتمال بروز سوءبرداشت‌های ناشی از ترجمه نادرست یا عدم آشنایی با بار معنایی اصطلاحات را به‌طور چشمگیری کاهش می‌دهد. علاوه بر ترجمه، ابزارهای تحلیل گفتمان مبتنی بر هوش مصنوعی قادرند لحن، میزان قاطعیت یا مصالحه‌پذیری طرف مقابل را در طول جلسات مذاکره شناسایی کرده و

اطلاعات ارزشمندی در اختیار تیم مذاکره‌کننده قرار دهند. همچنین در سطح کلان نیز، هوش مصنوعی می‌تواند به بهبود هماهنگی و انسجام سیاست خارجی کشورها کمک کند. با ادغام سامانه‌های هوش مصنوعی در ساختار تصمیم‌گیری وزارتخانه‌ها و سازمان‌های بین‌المللی، امکان هم‌راستاسازی اهداف مذاکرات با سیاست‌های کلان امنیت ملی و توسعه اقتصادی فراهم می‌شود. این هماهنگی باعث می‌شود که پیام‌ها و مواضع در سطوح مختلف مذاکره از کارشناسی تا عالی‌رتبه، یکپارچه و بدون تناقض باشد که این خود از عوامل کلیدی موفقیت در مذاکرات چندجانبه است (Bjola, 2020: 3-5).

با پردازش سریع حجم عظیمی از داده‌های متنوع (مانند گزارش‌های امنیتی، داده‌های اقتصادی و تحلیل‌های رسانه‌ای)، به مذاکره‌کنندگان امکان می‌دهد تا به سرعت از تغییرات محیطی آگاه شوند. الگوریتم‌های تحلیل پیش‌بینانه و یادگیری ماشین، اطلاعات پیچیده را در بازه‌های زمانی کوتاه تحلیل کرده و نتایج دقیق ارائه می‌دهند. برای مثال، در مذاکرات تجاری بین اتحادیه اروپا و بریتانیا پس از برگزیت (۲۰۲۰)، ابزارهای هوش مصنوعی می‌توانستند با تحلیل داده‌های اقتصادی و سیاسی، پیامدهای پیشنهادها را به سرعت ارزیابی کرده و به تنظیم استراتژی‌های مذاکره کمک کنند. این قابلیت، مزیت رقابتی حیاتی در مذاکرات پر فشار ایجاد می‌کند. شایان توجه است، مدل‌های هوش مصنوعی مبتنی بر داده‌های تاریخی و الگوهای رفتاری، احتمال واکنش‌های دیپلماتیک یا تغییرات مواضع طرف مقابل را برآورد می‌کنند. این پیش‌بینی‌ها، با ترکیب تحلیل شبکه‌های روابط سیاسی و اقتصادی، نقاط فشار، فرصت‌های مصالحه و مسیرهای توافق را شناسایی می‌کنند. برای نمونه، در مذاکرات هسته‌ای ایران (۲۰۱۳-۲۰۱۵)، هوش مصنوعی می‌توانست با تحلیل مواضع تاریخی و اظهارات رسمی، واکنش‌های احتمالی طرف‌ها به پیشنهادهای جدید را پیش‌بینی کند که به طراحی تاکتیک‌های مؤثرتر منجر می‌شد. این توانمندی، قدرت چانه‌زنی و تصمیم‌گیری داده‌محور را تقویت می‌کرد. سامانه‌های هوش مصنوعی امکان افزایش شفافیت داده‌ها از طریق ثبت و آرشیو هوشمند تعاملات، مستندات و تغییرات مواضع را به صورت ساختارمند فراهم می‌کنند. این سیستم‌ها، با بازیابی سریع اطلاعات، به حفظ انسجام استراتژیک در مذاکرات چندمرحله‌ای یا چندجانبه کمک می‌کنند. برای مثال، در مذاکرات صلح یمن (۲۰۱۸)، ابزارهای هوش مصنوعی می‌توانستند تعهدات طرفین را به صورت دقیق ثبت کرده و به عنوان سندی حقوقی برای پیگیری

اختلافات استفاده شوند. این شفافیت، اعتماد طرف‌های ثالث و افکار عمومی را افزایش داده و مشروعیت فرآیند مذاکره را تقویت می‌کند (Broekhuizen et al, 2023: 3-8). از سوی دیگر، هوش مصنوعی با ادغام در ساختارهای تصمیم‌گیری وزارتخانه‌ها و سازمان‌های بین‌المللی، اهداف مذاکرات را با سیاست‌های کلان امنیت ملی و توسعه اقتصادی هم‌راستا می‌کند. این هماهنگی، پیام‌ها و مواضع را در سطوح مختلف مذاکره (از کارشناسی تا عالی‌رتبه) یکپارچه و منسجم نگه می‌دارد. برای نمونه، در مذاکرات چندجانبه گروه G7، استفاده از هوش مصنوعی برای تحلیل داده‌های سیاسی، می‌تواند از تناقض در مواضع جلوگیری کرده و اثربخشی دیپلماتیک را افزایش دهد.

## ۶- چالش‌ها و تهدیدهای بهره‌گیری از هوش مصنوعی در مذاکرات سیاسی و بین‌المللی

اگرچه هوش مصنوعی فرصت‌های چشمگیری برای ارتقای کارایی و اثربخشی مذاکرات سیاسی بین‌المللی فراهم می‌کند، اما به همان اندازه نیز با چالش‌ها و تهدیدهای پیچیده‌ای همراه است که بی‌توجهی به آن‌ها می‌تواند پیامدهای جدی در ابعاد امنیتی، اخلاقی و سیاسی داشته باشد. یکی از مهم‌ترین این چالش‌ها، سوگیری الگوریتمی<sup>۱</sup> است. الگوریتم‌های یادگیری ماشین و یادگیری عمیق، هرچند ظاهراً بر داده‌های واقعی آموزش می‌بینند، اما در عمل تحت تأثیر کیفیت، حجم و تنوع داده‌ها قرار دارند. چنانچه داده‌های آموزشی حاوی سوگیری‌های تاریخی، فرهنگی یا سیاسی باشند، خروجی مدل‌های هوش مصنوعی نیز همین سوگیری‌ها را بازتولید یا حتی تشدید خواهد کرد. در زمینه مذاکرات سیاسی، این مسئله می‌تواند به ارائه تحلیل‌های نادرست از مواضع طرف مقابل، ارزیابی‌های غلط از احتمال توافق، یا حتی پیشنهاد تاکتیک‌هایی منجر شود که بر اساس پیش‌فرض‌های ناقص شکل گرفته‌اند. چنین خطاهایی، به‌ویژه در مذاکرات حساس چندجانبه، ممکن است باعث از دست رفتن اعتماد و حتی شکست کامل فرآیند گفت‌وگو شود. چالش جدی دیگر، ریسک امنیت سایبری و نفوذ به سامانه‌های هوش مصنوعی است. هرگونه استفاده از هوش مصنوعی در مذاکرات سیاسی مستلزم پردازش حجم قابل‌توجهی از داده‌های طبقه‌بندی شده و حساس است؛ که افشای آن‌ها می‌تواند پیامدهای گسترده‌ای بر امنیت ملی و روابط بین‌الملل داشته باشد. نفوذ

<sup>۱</sup> Algorithmic Bias



بازیگران مخرب به این سامانه‌ها، خواه از طریق حملات سایبری مستقیم، خواه از طریق تزریق داده‌های آلوده<sup>۱</sup> می‌تواند موجب دستکاری نتایج تحلیل، تغییر توصیه‌های راهبردی یا حتی ایجاد اختلال عمدی در جریان مذاکرات شود. در چنین شرایطی، نه تنها صحت اطلاعات زیر سؤال می‌رود، بلکه امکان استفاده از هوش مصنوعی به‌عنوان ابزاری برای جنگ اطلاعاتی نیز فراهم می‌شود، به گونه‌ای که طرف مهاجم می‌تواند با دستکاری ظریف داده‌ها، روند تصمیم‌گیری را به نفع خود تغییر دهد (Pokhriyal et al, 2023: 3-5).

از منظر اخلاقی و حقوقی نیز به کارگیری هوش مصنوعی در دیپلماسی با ابهامات جدی مواجه است. نخست، مشخص کردن مرز مسئولیت‌پذیری در صورت بروز خطا یا پیامدهای غیرمنتظره بسیار دشوار است: آیا مسئولیت بر عهده تیم مذاکره‌کننده است که از ابزار استفاده کرده، یا توسعه‌دهندگان سامانه هوش مصنوعی که الگوریتم را طراحی کرده‌اند، یا حتی نهادی که داده‌ها را تأمین کرده است؟ دوم، به دلیل نبود چارچوب‌های بین‌المللی الزام‌آور در حوزه استفاده از هوش مصنوعی در سیاست خارجی، خطر سوءاستفاده از این فناوری در جهت عملیات روانی، دستکاری افکار عمومی یا تضعیف مواضع طرف مقابل همواره وجود دارد. در غیاب قوانین شفاف و مکانیسم‌های نظارتی مؤثر، این تهدیدها می‌توانند به رقابت‌های فناورانه ناسالم و حتی بی‌ثباتی در نظام بین‌الملل منجر شوند (CPD Blog, 2025).

وابستگی بیش از حد به فناوری نیز یکی دیگر از تهدیدهای راهبردی است که در صورت فقدان تدابیر جبرانی می‌تواند به آسیب‌پذیری ساختاری منجر شود. چنانچه تیم‌های مذاکره‌کننده به‌طور کامل به خروجی‌های هوش مصنوعی تکیه کنند، مهارت‌های تحلیلی، شهود سیاسی و انعطاف‌پذیری انسانی ممکن است به مرور کاهش یابد. این پدیده که در ادبیات امنیتی با عنوان سوگیری الگوریتمی شناخته می‌شود، می‌تواند موجب شود که مذاکره‌کنندگان در مواجهه با شرایط غیرقابل پیش‌بینی که مدل‌ها قادر به پردازش آن نیستند، عملکرد ضعیفی داشته باشند. علاوه بر این، قطع دسترسی به فناوری در برخی کشورها به دلیل تحریم، حمله سایبری یا نقص فنی می‌تواند فرآیند مذاکره را به‌طور جدی مختل کند و کشور وابسته به این ابزارها را در موقعیتی آسیب‌پذیر قرار دهد. در واقع، باید به چالش شفافیت و قابلیت توضیح‌پذیری مدل‌های هوش مصنوعی اشاره کرد. بسیاری

<sup>1</sup> Data Poisoning

از الگوریتم‌های پیشرفته، به‌ویژه شبکه‌های عصبی عمیق، به دلیل پیچیدگی ساختاری خود همچون جعبه سیاه عمل می‌کنند؛ به این معنا که توضیح چرایی و چگونگی رسیدن به یک نتیجه خاص بسیار دشوار است. در حوزه مذاکرات بین‌المللی که تصمیمات باید برای طرف‌های ذی‌نفع و افکار عمومی توجیه‌پذیر باشد، این ابهام می‌تواند مانع پذیرش نتایج تحلیل شود یا حتی به ایجاد تردید در صداقت و بی‌طرفی فرآیند منجر گردد. به همین دلیل، استفاده از مدل‌های با قابلیت توضیح‌پذیری بالا یا ترکیب روش‌های کمی و کیفی برای افزایش شفافیت، به‌عنوان یک ضرورت راهبردی مطرح می‌شود (Geneva Graduate Institute, 2025).

علاوه بر چالش‌های فوق، تهدیدهای راهبردی شامل رقابت‌های ژئوپلیتیکی برای کنترل فناوری هوش مصنوعی و احتمال ایجاد شکاف‌های فناورانه بین کشورها است. کشورهایی که دسترسی محدود به هوش مصنوعی دارند، ممکن است در مذاکرات بین‌المللی در موضع ضعف قرار گیرند که به نابرابری در نظام بین‌الملل منجر می‌شود. همچنین، سوءاستفاده از هوش مصنوعی برای عملیات روانی یا انتشار اطلاعات نادرست می‌تواند بی‌ثباتی سیاسی را تشدید کند. این تهدیدها نیازمند همکاری‌های بین‌المللی برای تنظیم استفاده از هوش مصنوعی و ایجاد چارچوب‌های اخلاقی مشترک است (United Nations Climate Change, 2021).

## ۷- تحلیل راهبردی (SWOT) کاربرد هوش مصنوعی در مذاکرات سیاسی بین‌المللی

اگرچه تحلیل SWOT در این پژوهش مبتنی بر داده‌های اسنادی انجام شده، اما برای افزایش دقت در پژوهش‌های آینده می‌توان از روش‌های تکمیلی مانند دلفی یا مصاحبه با متخصصان سیاست خارجی برای اعتبارسنجی یافته‌ها بهره گرفت. جنبه‌های اصلی تحلیل عبارت‌اند از:

### ۷-۱- نقاط قوت<sup>۱</sup>

هوش مصنوعی با توان پردازش و تحلیل حجم عظیمی از داده‌های متنوع، ابزاری بی‌بدیل برای ارتقای کیفیت تصمیم‌گیری در مذاکرات سیاسی بین‌المللی محسوب می‌شود. قابلیت‌هایی نظیر تحلیل پیش‌بینانه، شبیه‌سازی چندعاملی و پردازش زبان طبیعی به تیم‌های مذاکره‌کننده این امکان را می‌دهد که پیش از هر دور مذاکره، تصویری دقیق و مبتنی بر شواهد از موقعیت طرف مقابل و محیط

<sup>۱</sup> Strengths

راهبردی داشته باشند. افزون بر این، توانایی هوش مصنوعی در شناسایی الگوهای پنهان و تحلیل هم‌زمان متغیرهای سیاسی، اقتصادی و اجتماعی، موجب افزایش قدرت مانور و کاهش وابستگی به شهود یا برداشت‌های شخصی می‌شود. برای مثال، در مذاکرات هسته‌ای ایران (۲۰۱۳-۲۰۱۵)، هوش مصنوعی می‌توانست با تحلیل داده‌های تاریخی و بیانیه‌های رسمی، نقاط اشتراک و اختلاف را شناسایی کند. این قابلیت‌ها وابستگی به شهود شخصی را کاهش داده و مزیت رقابتی در مذاکرات پیچیده ایجاد می‌کنند. وجود چنین ابزارهایی، به‌ویژه در مذاکرات پیچیده و چندجانبه، یک مزیت رقابتی محسوب می‌گردد که می‌تواند اثربخشی مواضع و تاکتیک‌های مذاکره را به‌طور چشمگیری بهبود دهد (Mostafaei et al, 2025: 4-7).

## ۷-۲- نقاط ضعف<sup>۱</sup>

با وجود مزایای قابل توجه، هوش مصنوعی در دیپلماسی با محدودیت‌ها و آسیب‌پذیری‌های ذاتی مواجه است. وابستگی شدید به داده‌های باکیفیت، یکی از مهم‌ترین چالش‌هاست؛ زیرا در حوزه روابط بین‌الملل، بسیاری از داده‌ها ناقص، محرمانه یا متأثر از سوگیری‌های سیاسی هستند. این امر می‌تواند به نتایج تحلیلی ناقص یا حتی گمراه‌کننده منجر شود. علاوه بر این، مدل‌های پیشرفته هوش مصنوعی، به‌ویژه شبکه‌های عصبی عمیق، اغلب فاقد قابلیت توضیح‌پذیری کافی هستند که این موضوع پذیرش نتایج آن‌ها را در سطوح بالای تصمیم‌گیری دشوار می‌کند. از سوی دیگر، هزینه‌های پیاده‌سازی، نگهداری و به‌روزرسانی چنین سامانه‌هایی، به‌ویژه برای کشورهای در حال توسعه، می‌تواند مانع جدی در مسیر بهره‌گیری گسترده از این فناوری در دیپلماسی باشد (Geneva Graduate Institute, 2025).

## ۷-۳- فرصت‌ها<sup>۲</sup>

ظهور هوش مصنوعی در مذاکرات بین‌المللی، فرصت‌های قابل توجهی را برای بهبود فرآیندها و ارتقای جایگاه کشورها در نظام بین‌الملل فراهم کرده است. یکی از مهم‌ترین این فرصت‌ها، توانایی در پیش‌بینی روندهای سیاسی و اقتصادی آینده بر اساس تحلیل داده‌های تاریخی و جاری است که به سیاست‌گذاران اجازه می‌دهد اقدامات خود را به‌صورت پیش‌دستانه تنظیم کنند. همچنین، هوش مصنوعی می‌تواند به کاهش موانع زبانی و فرهنگی کمک کرده و از طریق

<sup>۱</sup> Weaknesses

<sup>۲</sup> Opportunities

ترجمه‌های دقیق و تحلیل گفتمان، ارتباطات بین‌المللی را روان‌تر و مؤثرتر سازد. از منظر راهبردی، کشورهایی که زودتر به ادغام این فناوری در فرآیندهای دیپلماتیک خود بپردازند، می‌توانند با ایجاد مزیت فناورانه، هم قدرت چانه‌زنی خود را افزایش دهند و هم در عرصه رقابت ژئوپلیتیک جایگاه برتری کسب کنند (Iran's Strategic Council of Foreign Relations, 2025).

## ۷-۴- تهدیدها<sup>۱</sup>

به موازات فرصت‌ها، تهدیدهای قابل توجهی نیز وجود دارد که در صورت عدم مدیریت صحیح می‌توانند پیامدهای منفی جدی در پی داشته باشند. خطر نفوذ سایبری و حملات هدفمند به سامانه‌های هوش مصنوعی، از مهم‌ترین این تهدیدهاست؛ زیرا افشای یا دستکاری داده‌های حساس می‌تواند به فروپاشی اعتماد و اختلال در روند مذاکرات منجر شود. علاوه بر این، خطر سوءاستفاده از هوش مصنوعی برای عملیات روانی و دستکاری افکار عمومی، می‌تواند به بی‌ثباتی سیاسی یا تضعیف مشروعیت فرآیندهای دیپلماتیک بیانجامد. نبود چارچوب‌های حقوقی بین‌المللی برای تنظیم استفاده از هوش مصنوعی در سیاست خارجی نیز این تهدیدها را تشدید می‌کند. در نهایت، خطر وابستگی بیش از حد به فناوری و کاهش نقش قضاوت انسانی در تصمیم‌گیری، می‌تواند انعطاف‌پذیری و تاب‌آوری دیپلماسی را در مواجهه با شرایط غیرقابل پیش‌بینی کاهش دهد (Geneva Graduate Institute, 2025).

تحلیل SWOT نشان می‌دهد که هوش مصنوعی پتانسیل تحول‌آفرینی در مذاکرات سیاسی بین‌المللی دارد، اما موفقیت آن به مدیریت نقاط ضعف و تهدیدها وابسته است. تقویت کیفیت داده‌ها، توسعه مدل‌های توضیح‌پذیر و ایجاد چارچوب‌های حقوقی و امنیتی بین‌المللی برای کاهش ریسک‌ها و بهره‌برداری از فرصت‌ها ضروری است. این تحلیل چارچوبی راهبردی برای سیاست‌گذاران فراهم می‌کند تا از هوش مصنوعی به صورت مسئولانه و مؤثر در دیپلماسی استفاده کنند.

لازم به ذکر است، تحلیل SWOT در این پژوهش نه به عنوان ابزاری کمی، بلکه به منزله‌ی چارچوبی مفهومی برای جمع‌بندی یافته‌های اسنادی به کار رفته است. هدف از استفاده‌ی آن، شناسایی و مقایسه‌ی نسبی نقاط قوت، ضعف، فرصت‌ها و تهدیدهای ناشی از ورود هوش مصنوعی

<sup>1</sup> Threats

به عرصه‌ی دیپلماسی بر مبنای الگوها و مضامین استخراج شده از منابع علمی معتبر و نه داده‌های میدانی است که بر اساس تحلیل محتوای انجام‌شده، نقاط قوت شامل افزایش دقت در پردازش داده‌های پیچیده، بهبود مدیریت زمان و منابع در مذاکرات و توان شبیه‌سازی چندسناریویی در تصمیم‌گیری است. در مقابل، نقاط ضعف عمدتاً به محدودیت‌های اخلاقی، نبود شفافیت در الگوریتم‌ها و وابستگی بیش از حد به فناوری اشاره دارند. از سوی دیگر، فرصت‌ها به امکان افزایش شفافیت، پیش‌بینی‌پذیری و اعتماد میان بازیگران بین‌المللی مربوط می‌شوند، در حالی که تهدیدها شامل خطر دستکاری داده‌ها، بی‌اعتمادی به تصمیم‌گیری ماشینی و نابرابری دسترسی کشورها به فناوری‌های پیشرفته است. این تحلیل، مبتنی بر تجمیع دیدگاه‌های مشترک میان منابع اسنادی و پژوهش‌های دانشگاهی بوده و هدف آن ارائه‌ی تصویری تلفیقی از وضعیت موجود است، نه سنجش آماری یا تجربی. در نتیجه، جدول SWOT ارائه شده در این پژوهش به‌جای آن‌که بیانگر اندازه یا وزن نسبی متغیرها باشد، چارچوبی برای فهم روابط متقابل میان مزایا و چالش‌های هوش مصنوعی در مذاکرات سیاسی فراهم می‌سازد. درواقع، این چارچوب تحلیلی به تصمیم‌گیران سیاسی و پژوهشگران کمک می‌کند تا ضمن درک ظرفیت‌های فناوری‌های هوشمند در حوزه‌ی دیپلماسی، به تهدیدهای بالقوه‌ی آن نیز با نگاهی انتقادی و واقع‌گرایانه بنگرند.

## ۸- آینده‌پژوهی و سناریوهای محتمل کاربرد هوش مصنوعی در مذاکرات سیاسی و بین‌المللی

با توجه به تحولات سریع فناوری‌های هوش مصنوعی و تأثیر رو به افزایش آن‌ها بر عرصه‌های سیاسی و دیپلماتیک، آینده مذاکرات بین‌المللی به شدت متأثر از نحوه ادغام و مدیریت این فناوری‌ها خواهد بود. یکی از سناریوهای محتمل، ادغام گسترده هوش مصنوعی به‌عنوان دستیار هوشمند در تمامی مراحل مذاکره است که می‌تواند از تحلیل داده‌های پیچیده محیطی گرفته تا مدیریت هم‌زمان چندین جریان اطلاعات و ارائه توصیه‌های استراتژیک به تیم‌های مذاکره‌کننده را شامل شود. این سناریو مستلزم توسعه سیستم‌هایی با قابلیت‌های یادگیری تطبیقی بالا، شفافیت کامل در فرایندهای تصمیم‌گیری و تعامل مؤثر با انسان‌ها است. در این وضعیت، نقش هوش مصنوعی فراتر از یک ابزار کمکی بوده و به‌عنوان یک شریک راهبردی و تحلیل‌گر در مذاکرات ظاهر

می‌شود که می‌تواند به شکل قابل توجهی کیفیت، سرعت و عمق تصمیمات دیپلماتیک را ارتقا دهد؛ اما این ادغام گسترده، همراه با پیچیدگی‌های فنی و اخلاقی قابل توجهی است. به‌طور خاص، سناریویی وجود دارد که در آن رقابت‌های ژئوپلیتیکی برای توسعه و کنترل فناوری‌های هوش مصنوعی منجر به تقسیم‌بندی جهانی در استفاده و دسترسی به این فناوری‌ها شود. چنین شکافی می‌تواند به ایجاد بلوک‌های فناورانه سیاسی جدیدی در عرصه بین‌المللی منجر شود که همکاری‌های دیپلماتیک را دشوار و پیچیده‌تر کند. کشورهای دارای فناوری‌های پیشرفته هوش مصنوعی، با اتکا به مزیت تکنولوژیک خود، می‌توانند نفوذ و قدرت نرم خود را به شکل بی‌سابقه‌ای افزایش دهند، در حالی که کشورهای کمتر توسعه یافته از این قافله عقب می‌مانند و ناگزیر به پذیرش مواضع قدرت‌های فناورانه‌تر می‌شوند. این وضعیت ممکن است نابرابری‌ها را در نظام بین‌الملل تعمیق کرده و تنش‌ها و درگیری‌های جدیدی را موجب شود (IPIS, 2023).

سناریوی دیگر، افزایش نقش هوش مصنوعی در شفافیت و اعتمادسازی در مذاکرات چندجانبه و سازمان‌های بین‌المللی است. در این مدل، سامانه‌های مبتنی بر هوش مصنوعی با ثبت دقیق و تجزیه و تحلیل مستمر تمام مراحل مذاکرات، امکان پایش دقیق تعهدات، ارزیابی عملکرد و هشدار زودهنگام در مورد نقض توافقات را فراهم می‌کنند. این روند می‌تواند به تقویت سازوکارهای نظارتی و افزایش اعتبار فرایندهای دیپلماتیک منجر شود. البته، تحقق این سناریو نیازمند توسعه چارچوب‌های حقوقی و اخلاقی قوی و پذیرش گسترده فناوری‌های هوشمند در سطح بین‌المللی است که چالش‌های حقوقی و سیاسی خاص خود را به دنبال دارد. در چشم‌انداز بلندمدت، توسعه فناوری‌های هوش مصنوعی پیشرفته ممکن است منجر به ظهور مذاکرات کاملاً خودکار یا نیمه‌خودکار شود؛ وضعیتی که در آن برخی یا تمام مراحل مذاکره بدون حضور مستقیم انسان‌ها و بر اساس الگوریتم‌های هوشمند انجام می‌پذیرد. چنین سناریویی اگرچه از نظر نظری جذاب است و می‌تواند سرعت و کارآمدی فرایندهای دیپلماتیک را به شدت افزایش دهد، اما با چالش‌های عمیق فلسفی، اخلاقی و سیاسی مواجه است. سؤالاتی نظیر مشروعیت تصمیمات گرفته شده توسط ماشین‌ها، قابلیت پاسخگویی در برابر خطاها و خطر از بین رفتن حس انسانی و انعطاف‌پذیری در مذاکرات، از جمله مباحثی است که باید پیش از پذیرش گسترده این مدل‌ها به‌طور جدی بررسی شود. در واقع، آینده هوش مصنوعی در مذاکرات سیاسی بین‌المللی، آمیخته‌ای از فرصت‌های

بی‌سابقه و چالش‌های پیچیده است که به دقت، همکاری‌های بین‌المللی و چارچوب‌سازی‌های نوین نیازمند است. کشورها و سازمان‌هایی که بتوانند این فناوری‌ها را به شیوه‌ای استراتژیک، اخلاقی و نوآورانه به کار گیرند، در موقعیتی ممتاز قرار خواهند گرفت تا نقش تعیین‌کننده‌ای در شکل‌دهی نظم نوین جهانی ایفا کنند، در حالی که سایرین ممکن است با خطر عقب‌ماندگی فناورانه و سیاسی مواجه شوند (UNCOVERIE, 2025).

## نتیجه‌گیری

پژوهش حاضر تلاش داشته تا با رویکردی راهبردی، کاربرد هوش مصنوعی در مذاکرات سیاسی بین‌المللی مورد بررسی قرار گیرد و ضمن تحلیل فرصت‌ها، چالش‌ها و تهدیدهای این فناوری، چشم‌اندازهای محتمل آینده نیز ترسیم شود. بررسی‌ها نشان داد که هوش مصنوعی با قابلیت‌های منحصربه‌فرد خود در تحلیل داده‌های حجیم، پیش‌بینی روندها و ارائه توصیه‌های مبتنی بر شواهد، می‌تواند کیفیت، سرعت و دقت فرآیندهای مذاکرات را به‌طور قابل توجهی ارتقا دهد و به عنوان ابزاری کارآمد در افزایش توان چانه‌زنی و بهبود تصمیم‌گیری‌های راهبردی مورد استفاده قرار گیرد. با این حال، نادیده گرفتن محدودیت‌ها و مخاطرات این فناوری می‌تواند به پیامدهای ناخواسته و حتی بحران‌های راهبردی منجر شود.

در پاسخ به سؤال پژوهش مبنی بر چگونگی تأثیر هوش مصنوعی در ارتقای کیفیت و اثربخشی مذاکرات سیاسی بین‌المللی و شناسایی چالش‌ها و فرصت‌های این فناوری، این مطالعه نشان می‌دهد که هوش مصنوعی به عنوان ابزاری راهبردی می‌تواند فرآیند تصمیم‌گیری را به صورت قابل توجهی بهینه کند، اما این بهبود منوط به مدیریت هوشمندانه ریسک‌ها و محدودیت‌های آن است. فرصت‌های ارائه شده توسط هوش مصنوعی در تحلیل پیش‌بینانه، شبیه‌سازی نتایج احتمالی و تسهیل ارتباطات، می‌توانند به تحکیم جایگاه کشورها در نظام بین‌الملل کمک کنند. هم‌زمان، چالش‌هایی همچون سوگیری داده‌ها، تهدیدات امنیتی و مسائل شفافیت نیازمند توجه ویژه سیاست‌گذاران است تا از سوءاستفاده‌ها و پیامدهای منفی جلوگیری شود. در نتیجه، این پژوهش تأکید می‌کند که تحقق کامل مزایای هوش مصنوعی در مذاکرات بین‌المللی مستلزم چارچوب‌های حقوقی، اخلاقی و فناوری منسجم و همکاری‌های بین‌المللی گسترده است. با توجه به بررسی‌های انجام شده، فرضیه

پژوهش که هوش مصنوعی می‌تواند با تحلیل داده‌های گسترده و پیش‌بینی روندها، کیفیت تصمیم‌گیری و توان چانه‌زنی در مذاکرات سیاسی بین‌المللی را بهبود بخشد تا حد قابل توجهی تأیید می‌شود. شواهد تجربی و تحلیل اسناد نشان می‌دهد که به‌کارگیری فناوری‌های هوش مصنوعی موجب افزایش دقت و سرعت تحلیل موقعیت‌های پیچیده سیاسی شده و به تیم‌های مذاکره‌کننده امکان می‌دهد تا با آگاهی بیشتر و آمادگی بهتر وارد گفتگوها شوند. این توانمندی‌ها، به‌ویژه در محیط‌های چندجانبه و متغیر که اطلاعات کامل و شفاف در دسترس نیست، اهمیت فوق‌العاده‌ای دارند. افزون بر این، نقش هوش مصنوعی در کاهش خطاهای انسانی ناشی از سوگیری‌ها و محدودیت‌های شناختی نیز به اثبات رسیده است؛ بنابراین، فرضیه تحقیق مبنی بر تأثیر مثبت هوش مصنوعی بر ارتقای کیفیت مذاکرات، با تحلیل داده‌ها و نمونه‌های موجود تقویت می‌شود.

از جمله مهم‌ترین چالش‌ها در بکارگیری هوش مصنوعی در مذاکرات سیاسی، می‌توان به ریسک سوگیری‌های الگوریتمی، تهدیدهای امنیت سایبری، مشکلات شفافیت و مسئولیت‌پذیری و همچنین وابستگی بیش از حد به فناوری اشاره کرد که هر یک نیازمند سیاست‌ها و راهکارهای دقیق مدیریتی و نظارتی هستند. به‌علاوه، فقدان چارچوب‌های حقوقی و اخلاقی جامع در سطح بین‌المللی، فضای مناسبی برای سوءاستفاده‌های احتمالی و رقابت‌های فناورانه ناسالم فراهم کرده است که می‌تواند به بی‌ثباتی در نظام بین‌الملل بیانجامد؛ بنابراین، توصیه می‌شود کشورهای فعال در عرصه دیپلماسی هوشمند، ضمن سرمایه‌گذاری در توسعه فناوری‌های قابل توضیح و شفاف، هم‌زمان به تدوین استانداردها و پروتکل‌های اخلاقی و حقوقی بپردازند تا ضمن بهره‌مندی از مزایای هوش مصنوعی، ریسک‌ها را به حداقل برسانند. در زمینه سیاست‌گذاری، ایجاد نهادهای نظارتی تخصصی برای ارزیابی و تضمین امنیت سامانه‌های هوش مصنوعی در فرآیندهای دیپلماتیک ضروری است. همچنین، ارتقای آموزش و توانمندسازی نیروی انسانی در تعامل موثر با فناوری‌های نوین و حفظ مهارت‌های تحلیلی و شهودی انسانی، از الزامات حیاتی است تا توازن بین قابلیت‌های ماشینی و قضاوت انسانی حفظ شود. در بعد بین‌المللی نیز، تقویت همکاری‌های چندجانبه برای تنظیم مقررات هوش مصنوعی و ایجاد شبکه‌های شفاف تبادل داده‌ها و اطلاعات می‌تواند به کاهش سوء تفاهم‌ها و افزایش اعتماد در مذاکرات کمک کند. همچنین، پیشنهاد می‌شود پژوهش‌های آینده به بررسی بیشتر سازوکارهای تضمین شفافیت و پاسخگویی در سامانه‌های هوش مصنوعی، تأثیرات فرهنگی



و اجتماعی استفاده از هوش مصنوعی در دیپلماسی و مدل‌های مشارکت انسانی- ماشینی در مذاکرات سیاسی متمرکز شود. علاوه بر این، مطالعات تطبیقی در خصوص تجارب کشورهای مختلف در به کارگیری هوش مصنوعی در سیاست خارجی می‌تواند به شناسایی بهترین شیوه‌ها و راهکارهای بهینه کمک کند. در نهایت، پذیرش هوش مصنوعی در مذاکرات سیاسی بین‌المللی نه یک انتخاب ساده، بلکه یک فرآیند پیچیده و چندبعدی است که موفقیت آن منوط به هماهنگی میان پیشرفت‌های فناوری، چارچوب‌های اخلاقی و حقوقی و خرد جمعی سیاست‌گذاران و دیپلمات‌ها است که در صورت مدیریت هوشمندانه، این فناوری می‌تواند به عاملی تحول‌آفرین در ارتقای صلح، امنیت و همکاری‌های بین‌المللی بدل شود.

در جمع‌بندی نهایی می‌توان گفت یافته‌های پژوهش حاضر، فرضیه اصلی مبنی بر تأثیر مثبت و معنادار هوش مصنوعی بر افزایش کارایی، پیش‌بینی‌پذیری و شفافیت مذاکرات سیاسی را تأیید می‌کند. تحلیل محتوای اسناد نشان داد که هوش مصنوعی با فراهم کردن امکان تحلیل داده‌های چندسطحی و شبیه‌سازی رفتار بازیگران، نه تنها به ارتقای دقت تصمیم‌گیری کمک می‌کند بلکه می‌تواند به کاهش سوءبرداشت‌ها و افزایش اعتماد متقابل میان طرف‌های مذاکره نیز بینجامد. این نتایج بیانگر آن است که فناوری هوشمند، اگر در چارچوب اصول اخلاقی و حکمرانی داده به کار گرفته شود، قادر است به عنوان یکی از ابزارهای تقویت ثبات و پیش‌بینی‌پذیری در سیاست بین‌الملل ایفای نقش کند.

با این حال، باید اذعان کرد که پژوهش حاضر با محدودیت‌هایی همراه بوده، از جمله اتکای آن به منابع اسنادی و نبود داده‌های تجربی از مذاکرات واقعی که می‌تواند دامنه‌ی تعمیم یافته‌ها را محدود کند. همچنین، مسئله‌ی دسترسی نابرابر کشورها به فناوری‌های هوش مصنوعی می‌تواند بر نتایج کلی اثرگذار باشد و در پژوهش‌های آینده نیازمند بررسی دقیق‌تر است. پیشنهاد می‌شود تحقیقات بعدی با بهره‌گیری از روش‌های ترکیبی (کیفی و کمی) و مطالعه‌ی موردی در محیط‌های واقعی دیپلماسی انجام گیرد تا ابعاد عملیاتی و فرهنگی کاربرد هوش مصنوعی در سیاست خارجی به صورت عمیق‌تر ارزیابی شود. بدین ترتیب، این پژوهش علاوه بر ارائه‌ی تصویری نظام‌مند از نقش هوش مصنوعی در تصمیم‌سازی سیاسی، کوشیده است چارچوبی نظری و تحلیلی برای شکل‌گیری

مفهوم «دیپلماسی هوشمند» فراهم آورد؛ مفهومی که می‌تواند مبنای مطالعات بین‌رشته‌ای آینده میان علوم سیاسی، داده و اخلاق فناوری قرار گیرد.

### تعارض منافع

بنا بر اظهار نویسندگان، مقاله پیش‌رو فاقد هر گونه تعارض منافع بوده است.

## Translated References to English

- Arana-Catania, M., van Lier, F.A., & Procter, R. (2022). Supporting peace negotiations in the Yemen war through machine learning. *Arxiv journal*. <https://arxiv.org/pdf/2207.11528>
- Bjola, C & Zaiotti, R. (2020). *Digital Diplomacy and International Organisations: Autonomy, Legitimacy and Contestation*. University of Huddersfield. Doi: 10.4324/9781003032724, [https://www.researchgate.net/publication/343895827\\_Digital\\_Diplomacy\\_and\\_International\\_Organisations\\_Autonomy\\_Legitimacy\\_and\\_Contestation](https://www.researchgate.net/publication/343895827_Digital_Diplomacy_and_International_Organisations_Autonomy_Legitimacy_and_Contestation)
- Climate Change AI. (2021). *Climate Change and AI: Recommendations for Government*. [https://www.climatechange.ai/press\\_releases/2021-11-08/release](https://www.climatechange.ai/press_releases/2021-11-08/release)
- CPD Blog. (2025). *Rethinking Diplomatic Negotiations in the Age of AI*. <https://uscpublicdiplomacy.org/blog/rethinking-diplomatic-negotiations-age-ai>
- Degree Doctor. (2006). *Braun and Clarke Thematic Analysis - How to do the six-step process in your qualitative research project*. <https://www.thedegreedoctor.com/blog/braun-and-clarke-thematic-analysis-how-to-do-the-six-step-process-in-your-qualitative-research-project>
- Diplo. (2025). *AI Diplomacy*. <https://www.diplomacy.edu/topics/ai-and-diplomacy/>
- Geneva Graduate Institute. (2025). *Diplomatic Relations, Artificial Intelligence, and Cyber Threats*. <https://globalchallenges.ch/issue/17/diplomatic-relations-artificial-intelligence-and-cyber-threats/>
- Hamidreza M, Shirin Kordnoori, Mohammadmohsen Ostadrahimi, Saeed Seyed Agha Banihashemi. (2025). Applications of artificial intelligence in global diplomacy: A review of research and practical models, *Sustainable Futures Journal*, 9(100486), 2666-1888, <https://doi.org/10.1016/j.sfr.2025.100486>
- <https://www.sciencedirect.com/science/article/pii/S2666188825000565>
- Hermes- European Studies Center. (2025). *Artificial Intelligence: Redefining Diplomacy in the Digital Age*. <https://www.hermescse.eu/en/artificial-intelligence-redefining-diplomacy-in-the-digital-age/>
- Holland, J.H. (1992). Complex adaptive systems. *Daedalus*, 121(1), 17-30. <https://www.jstor.org/stable/20025416?seq=1>
- IPIS. (2023). *Artificial intelligence and the future of international relations*. <https://www.ipis.ir/en/subjectview/722508/artificial-intelligence-and-the-future-of-international-relations>
- Iran's Strategic Council of Foreign Relations. (2025). *The Role of Artificial Intelligence in Redefining Diplomacy in the Digital Age*. <https://www.scfr.ir/en/scienceculture/344891/the-role-of-artificial-intelligence-in-redefining-diplomacy-in-the-digital-age/>
- Jervis, R. (1997). *System effects: Complexity in political and social life*. Princeton University Press. <https://archive.org/details/systemeffectscom0000jerv/page/n7/mode/2up>
- Moshtagi, R., Cortez, J., & Sohn, A. (2025). *AI and the Future of Conflict Resolution: How Can Artificial Intelligence Improve Peace Negotiations?* Belfer Center for Science and International Affairs, Harvard Kennedy School. <https://www.belfercenter.org/research-analysis/ai-and-future-conflict-resolution-how-can-artificial-intelligence-improve-peace>
- Pokhriyal N, Koebe T. (2023). AI-assisted diplomatic decision-making during crises- Challenges and opportunities. *Front Big Data*. doi: 10.3389/fdata. 2023.1183313. PMID: 37252128; PMCID: PMC10213620. <https://pmc.ncbi.nlm.nih.gov/articles/PMC10213620/>
- Rosenau, J. N. (2003). *Distant proximities: Dynamics beyond globalization*. Princeton University Press. [https://www.academia.edu/47299317/James\\_N\\_Rosenau\\_Distant\\_Proximities\\_Dynamics\\_Beyond\\_Globalization\\_2003\\_Princeton\\_University\\_Press\\_Princeton\\_and\\_Oxford\\_0\\_69\\_1\\_09524\\_8\\_pp\\_xvi\\_439\\_Paperback\\_](https://www.academia.edu/47299317/James_N_Rosenau_Distant_Proximities_Dynamics_Beyond_Globalization_2003_Princeton_University_Press_Princeton_and_Oxford_0_69_1_09524_8_pp_xvi_439_Paperback_)

- Santor, G. (2019). Artificial Intelligence: Challenges for EU Citizens and Consumers. Policy Department for Economic, Scientific and Quality of Life Policies of European Commission. [https://www.europarl.europa.eu/RegData/etudes/BRIE/2019/631043/IPOL\\_BRI\(2019\)631043\\_EN.pdf](https://www.europarl.europa.eu/RegData/etudes/BRIE/2019/631043/IPOL_BRI(2019)631043_EN.pdf)
- SSRN. (2025). Artificial Intelligence in Conflict Resolution: A Comprehensive Review. SSRN. [https://papers.ssrn.com/sol3/papers.cfm?abstract\\_id=5241365](https://papers.ssrn.com/sol3/papers.cfm?abstract_id=5241365)
- Thijs Broekhuizen, Henri Dekker, Pedro de Faria, Sebastian Firk, Dinh Khoi Nguyen, Wolfgang Sofka. (2023). AI for managing open innovation: Opportunities, challenges, and a research agenda. *Journal of Business Research*, Volume 167, 114196, ISSN 0148-2963, <https://doi.org/10.1016/j.jbusres.2023.114196>, <https://www.sciencedirect.com/science/article/pii/S0148296323005556>
- UNCOVERIE. (2025). How AI Is Shaping the Future of Diplomacy. <https://www.ie.edu/uncover-ie/ai-and-diplomacy-master-in-technology-and-global-affairs/>
- United Nations Climate Change. (2021). Glasgow Climate Change Conference – October-November 2021. <https://unfccc.int/conference/glasgow-climate-change-conference-october-november-2021>
- University of Birmingham, Centre for AI in Government. (2025). Simulating Politics: AI Models for Negotiation and Governance. University of Birmingham. Retrieved August 2025, from <https://www.birmingham.ac.uk/research/projects/simulating-politics>
- Wgi, World. (2024). How Artificial Intelligence is Reshaping International Politics. <https://www.wgi.world/how-artificial-intelligence-is-reshaping-international-politics/>
- Zia, L., & Waks, L. (2025). Rethinking Diplomatic Negotiations in the Age of AI. USC Center on Public Diplomacy. <https://uscpublicdiplomacy.org/blog/rethinking-diplomatic-negotiations-age-ai>